

مورد حقوقی انحلال مجلس

چند روز پیش یکی از ایرانیاران نوشته و درخواست کرده بود:

((From: k m m k [mailto: @gmail.com]
Sent: Saturday, August 21, 2010 12:39 PM
To: Javidiran (Peym)
Subject: منم داکتررررر باشی تبتق! منحل مه که نم تبتق !))

از آقای امیر فیض انتظار می‌رود به عنوان یک شخصیت مسلط به ظرائف قوانین دیدگاهشان را در باره پیامد انحلال مجلس شورایی که مقام نخست وزیری محمد مصدق را تائید کرده بود توسط شخص مورد تائید قرار گرفته آن مجلس بیان دارند.

این مختصر را در نهایت بی میلی قلمی کردم زیرا برای جامعه‌ای که علیرغم یک تاریخ چند هزار ساله و کلی اهن و تلب، هست و نیستش را معطوف به واقعه‌ای به تاریخ پیوسته کرده چگونه بتوان احترام قائل شد؟

گیریم مصدق را انگلستان و آمریکا سقط کرده باشند؛ خب که چه؟ می‌خواهیم با پیکر خاک شده او و اندام فربه او ابر قدرت یاد شده چه کنیم؟ عینهو حزب الهی‌های لرستان شعار سر دهیم "تنبیه انگلستان و آمریکا را بسپارید به ما لرها"؟

فرض نمائید یک دانشگاه اینجانب "مو" بچه خرستان اول را به دریافت مدرک دکترا "مفت--خر" یا "مجانی کره خر" سازد. سپس "مو"رسمآ آن دانشگاه را فاقد صلاحیت اعلام داشته درش را تخته کنم! آیا همچنان محق خواهم بود به "داکتررررررر دانستن خود؟ ((

استاد امیر فیض پاسخی به این صورت به اینجانب فکس کرده اند:

«جایید ایران»

موضوع انحلال مجلس شورای ملی در مسیر مشروطیت وقانون اساسی.

سئوالی را که ایرانیاری در مورد انحلال مجلس به وسیله آقای دکتر مصدق مطرح کرده می تواند جوابی این چنین داشته باشد.

حق انحلال مجلس از حقوقی است که قانون اساسی مشروطیت ایران با شرایط خاص و مواردی کاملاً استثنایی از حقوق پادشاه دانسته است. اقدام دکتر مصدق به انجام رفراندم و انحلال مجلس مخالف قانون اساسی بوده و این موضوع حقوقی مخالفت به وسیله آقای دکتر صدیقی، سنجابی و شایگان (استادان حقوق) و حایری زاده و بقایی و حسین مکی به مصدق گوشزد شده بود و آیت الله کاشانی نیز با اعلامیه رفراندم برای انحلال مجلس را محکوم و در آن فتوا آمده است «شرکت در رفراندم حرام و هیچ مسلمان و وطنخواهی نباید شرکت کند (جلال متینی ۳۵۵)

رابطه حقوقی نخست وزیر با مجلس از نظر تنوری مانند رابطه بین آمر و مامور است همانطور که مامور نمی تواند آمر را حذف کند نخست وزیر هم حق انحلال مجلس را ندارد.

با احترام امیر فیض))